

## بازنویسی مقاله

# طلاق (۶)

سیدحسین شرف‌الدین

طلاق، گسستن پیوند ازدواج دائم

طلاق در لغت به معنی گشودن و رها کردن، گسستن رسمی پیوند زناشویی در حیات زن و شوهر،<sup>۱</sup> و در اصطلاح فقهی، بر هم زدن رابطه زناشویی دائم به وسیله صیغه مخصوص است.<sup>۲</sup> و در قانون مدنی، انحلال نکاح دائم با شرایط و تشریفات خاص است.<sup>۳</sup> (ر.ک: مقاله طلاق حقوقی)

---

۱. طریحی، مجمع البحرین، ۳ / ۵۷، ابن فارس، ۳ / ۴۲۱؛ ابن منظور ۱۰ / ۲۲۶؛ دهخدا، ۱۰ / ۱۵۴۸۹.

۲. شهید ثانی، مسالک الافهام، ۹ / ۹؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ۸ / ۵؛ نجفی، جواهر الکلام، ۳۲ / ۲.

۳. صفایی، حقوق خانواده، ۲۵۹.

واژگان دیگری نیز همچون انفصال - جدایی فیزیکی زوجین به صورت توافقی که در برخی جوامع، قانونیت دارد - انحلال - جدایی توافق شده که با طلاق، فسخ یا مرگ یکی از زوجین محقق می‌شود -، ترک یا متارکه - جدایی طولانی مدت یکی از زوجین از دیگری یا بلا تکلیف گذاشتن او - در محاورات کارشناسان امور خانواده به کار رفته<sup>۱</sup> که با طلاق مصطلح، تفاوت دارد، زیرا طلاق جنبه قانونی داشته و در آن، امکان ازدواج مجدد فراهم گردیده و پیش‌بینی‌های لازم (نظیر حضانت فرزندان) در نظر گرفته شده است.

طلاق از موضوعاتی است که از زمان‌های بسیار دور در میان انسان‌ها وجود داشته است به طوری که حتی در برخی قبائل کوچک‌ترین اختلاف می‌توانست رابطه همسری را بر هم زده و موجب طلاق گردد.<sup>۲</sup> در برخی دیگر حتی تا قرون اخیر زن و مرد تا زمانی که فرزندی نداشتند می‌توانستند بدون هیچ سببی از یکدیگر جدا شوند.<sup>۳</sup> اما در جوامعی که از نوعی تمدن برخوردار بودند مانند مصر، طلاق به ندرت اتفاق می‌افتاد و تنها در صورتی که زن زنا می‌نمود مرد حق داشت وی را بدون پرداخت هیچ حقی طلاق بدهد و در غیر این صورت

---

۱. بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ۲۳۹؛

۲. دورانت، تاریخ تمدن، تمدن شرق، ۳۵.

۳. دورانت، تاریخ تمدن، تمدن شرق، ۳۶.

اگر زن را طلاق می‌گفت ناگزیر باید بخش بزرگی از املاک خانواده را به وی واگذار می‌کرد.<sup>۱</sup>

با بررسی و جستجو در منابع کهن و متون بر جای مانده از ادیان گذشته نیز به دست می‌آید که طلاق با شرایط ویژه خود در ادیان و شرایع پیشین همراه با نوعی کراهت اخلاقی مورد قبول بوده است.

در آیین زردشت، طلاق اختیاری نیست و با رای دادگاه ممکن می‌گردد و در جریان حکم طلاق، مدتی به عنوان دوران جدایی تعیین می‌شود که در خلال آن زوجین امکان بازگشت داشته باشند. پذیرش درخواست طلاق محدود به موارد خاصی مانند، عنین بودن مرد، خروج از دین زردشت، زناکار بودن یکی از آنها، غیبت بیش از پنج سال مرد و عدم تمکین زن می‌باشد.<sup>۲</sup>

در شریعت یهود، نیز مرد در صورت ناخرسندی از همسرش می‌تواند وی را طلاق دهد<sup>۳</sup> و جلب موافقت او در جریان طلاق شرط نیست؛ زیرا با پرداخت مهریه، خود را مالک همسرش می‌داند<sup>۴</sup> آنها معتقدند زن در صورت ازدواج مجدد نجس شده و برای همیشه بر همسر اول حرام می‌گردد.<sup>۵</sup> البته در کتاب تلمود به

---

۱. دورانت، تاریخ تمدن، تمدن شرق، ۱۶۲.

۲. واحدی، مطالعه تطبیقی طلاق در سیستم‌های حقوقی جهان، ۲۳، ساروخانی، طلاق پژوهی، ۹۷.

۳. کتاب مقدس، تلمود، گیت / ۹؛ تنبیه، ۲۴ / ۱ - ۴.

۴. کتاب مقدس، تلمود، گیت / ۶۲.

۵. کتاب مقدس، تنبیه، ۲۴ / ۳ و ۴.

مردان توصیه شده که تنها در صورت ارتکاب زنا (که در این صورت طلاق او واجب می‌شود)، و عقیم بودن زن - در صورتی که تا ده سال از زمان ازدواج استمرار یابد - و تخلف از احکام شریعت یهود او را طلاق دهند.<sup>۱</sup>

در آیین مسیحیت تنها مسیحیت کاتولیک است که بر حرمت طلاق تأکید کرده است.<sup>۲</sup> البته در میان آنها نیز نوعی جدایی تحت عنوان «انفصال جسمانی» وجود دارد که طبق آن، زوجین در مواردی، درعین بقای صوری پیوند زوجیت از زندگی مشترک محروم می‌شوند.<sup>۳</sup>

اما مسیحیت پروتستان و ارتدوکس طلاق را در صورت ارتکاب زنا توسط یکی از زوجین<sup>۴</sup> یا خروج از آیین مسیحیت جایز می‌دانند.<sup>۵</sup>

در میان عراب پیش از اسلام نیز طلاق بدون هیچ محدودیتی در اختیار مردها بود و در پاره‌ای موارد بدون پرداخت حقوق زنان، آنها را طلاق می‌دادند در شرع مقدس اسلام قرآن کریم طلاق را به عنوان یک واقعیت اجتماعی پذیرفته است<sup>۱</sup> و با هدف ضابطه‌مند ساختن آن متناسب با معیارهای خود به بیان

---

۱. صابر، نظام الاسرة فی اليهودية و النصرانية و الاسلام، ۱۳۲ - ۱۴۱؛ تلمود، یب، ۶۴، کتاب مقدس، تننیه ۱/۲۴.

۲. کتاب مقدس، لوقا، ۱۸ / ۱۶؛ متی، ۵ / ۳۱ - ۳۲؛ ۱۹ / ۳ - ۹؛ رساله اول پولس به قرنتیان، ۷ / ۱۰ - ۱۱.

۳. ساروخانی، طلاق پژوهی، ۱۰۰.

۴. ساروخانی، ۹۹؛ کتاب مقدس، لوقا ۱۸/۱۶؛ متی ۲۱/۵.

۵. صابر، نظام الاسره، ۱۴۲ - ۱۵۹.

هنجارهای حقوقی و اخلاقی آن پرداخته است. توصیه به ازدواج پاکان و مؤمنان با یکدیگر به عنوان عام‌ترین زیرساخت تضمین کننده همزیستی؛<sup>۲</sup> توصیه به معاشرت نیکو با همسر حتی در صورت کراهت داشتن،<sup>۳</sup> توصیه به صلح و سازش؛<sup>۴</sup> تذکر توأم با هشدار به حساسیت طلاق؛<sup>۵</sup> الزام به رعایت حقوق همسر و اجرای قوانین در جریان طلاق<sup>۶</sup> بخشی از دیدگاههای کلی قرآن در این خصوص است.

منابع روایی نیز طلاق را به عنوان یک حلال مبعوض جایز دانسته است. آشکارا در احادیث بر مبعوضیت طلاق تأکید شده است و از خانه‌ای که به وسیله طلاق تخریب شده است به عنوان مبعوض‌ترین امور در نزد خداوند یاد شده است.<sup>۷</sup> و خداوند دشمن چنین خانه‌ای است و کسی که به دنبال لذت‌جویی دست به چنین اقدامی می‌زند دشمن خداست<sup>۸</sup> و طلاق عرش الهی را به لرزه در

---

۱. مکارم شیرازی، تفسیر، ۲۴ / ۲۲۵.

۲. نور، ۲۶؛ بقره، ۲۲۱.

۳. نساء، ۱۹؛ مکارم شیرازی، تفسیر، ۳ / ۳۲۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴ / ۱۲۰ - ۱۲۲.

۴. نساء، ۱۲۸؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴ / ۱۲۱.

۵. بقره، ۲۲۷.

۶. بقره، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۴۱؛ نساء، ۲۰، ۱۲۹؛ طلاق، ۱، ۶؛ احزاب، ۴۹.

۷. حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۵ / ۲۲۶.

۸. همان، ۲۶۷.

می‌آورد.<sup>۱</sup> اسلام به‌رغم توصیه‌های مؤکد به حفظ خانواده و ارائه راه‌کارهای دقیق برای تأمین این مهم، طلاق را به عنوان آخرین راه کار جایز دانسته.<sup>۲</sup> از این‌رو، ضمن اهتمام جدی به حفظ روابط زناشویی و تحکیم خانواده، طلاق را در عین کراهت، به عنوان راهی برای پایان دادن به کشمکش‌های ویرانگر و فرساینده تجویز نموده است.<sup>۳</sup> طبق روایات، معصومین (ع) در مواردی اقدام یا توصیه به طلاق کرده‌اند.<sup>۴</sup> حاکم شرع نیز در مواردی که مرد بخواهد با سرپیچی از قانون نسبت به تأمین حقوق مالی (پرداخت نفقه)، وظایف اخلاقی (حسن معاشرت) و امور جنسی (حق هم‌خوابگی یا آمیزش) همسر خویش تعلل ورزد، موظف است وی را به طلاق الزام کرده یا خود به جای او در این باره اتخاذ تصمیم نماید.<sup>۵</sup>

طلاق در نظام‌های حقوقی مختلف، جایگاه، شرایط، احکام و به‌طور کلی ماهیت متفاوتی دارد. در فقه اسلامی و به تبع آن قانون مدنی ایران، طلاق از

---

۱. همان، ۲۶۸.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر، ۲۴ / ۲۵۱.

۳. شلبی، مقارنۃ الادیان، الاسلام، ۲۲۱.

۴. کلینی، کافی، ۶ / ۵۵-۶؛ مکارم شیرازی، تفسیر، ۱۴ / ۴۲۵؛ ۱۵ / ۴۲.

۵. ر.ک: طلاق قضایی در فقه و حقوق مدنی؛ قانون مدنی، ماده ۱۱۲۹، ۱۱۳۰؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ۲۳ /

۱۲۳؛ ۲۴ / ۸۰؛ امام خمینی رحمۃ اللہ علیہ، تحریر الوسیله، ۲ / ۲۸۷. (ر.ک: مقاله طلاق حقوقی)

ایقاعات است<sup>۱</sup> (ایقاع عمل قضایی یک‌جانبه‌ای که به قصد انشاء و رضای یک طرف [یعنی مرد یا نماینده او] منشا اثر حقوقی می‌شود<sup>۲</sup>). حتی طلاق خلع یا مبارات که با توافق زوجین صورت می‌گیرد نیز به لحاظ حقوقی ایقاع است، زیرا توافق زوجین شرط یا انگیزه طلاق است نه خود آن.

فقها برای طلاق در مقام اجرا و تحقق، ارکانی برشمرده‌اند، که وجود مطلق (طلاق دهنده)، مطلقه (طلاق داده شده)، اشهاد (حضور دو مرد شاهد عادل)، اجرای صیغه طلاق<sup>۳</sup> از آن جمله‌اند. آنها برای هر کدام از این ارکان شرایطی نیز بیان نموده‌اند<sup>۴</sup> (← مقاله طلاق حقوقی).<sup>۵</sup>

اختصاص حق طلاق به مرد: از دیدگاه فقهای شیعه و سنی حق طلاق با قطع نظر از ضرورت‌های ثانوی از حقوق اختصاصی مرد است<sup>۶</sup> (← مقاله طلاق حقوقی). برخی در تبیین این دیدگاه بر این باورند که با توجه به مسئولیت‌های حمایتی و

---

۱. محقق داماد، حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن، ۳۷۹؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ۳ / ۵۷۷ - ۵۸۸؛ نجفی،

جواهر الکلام، ۳۲ / ۲.

۲. نجفی، جواهر الکلام، ۳۲ / ۲.

۳. شهید اول، اللمعنه، ۱۷۹؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ۳ / ۵۷۹ - ۵۸۷.

۴. محقق حلی، شرائع الاسلام، ۳ / ۵۷۹ - ۵۸۸؛ نجفی، جواهر الکلام، ۳۲ / ۴ - ۱۱۵.

۵. ماده واحد قانون اصلاح مقررات مربوط به طلاق مصوب ۷۰/۱۲/۲۱ مجلس شورای اسلامی، و ۷۱/۸/۲۸

مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ ← طلاق، حقوقی.

۶. شیخ طوسی، الخلاف، ۴ / ۴۴۲؛ الموسوعة الكويتية، ۲۹ / ۱۱.

اقتصادی مردان و معافیت زنان از این وظایف، اسلام تصمیم‌گیری در مورد طلاق را به مرد واگذار کرده است، زیرا امکان تداوم حیات خانوادگی به مقدار زیادی به توانایی مرد در تامین معیشت خانواده بستگی دارد، بنابراین با معیار قرار دادن این دسته از کارکردهای خانواده، اختصاص حق طلاق به مرد گزینه مناسبی است. همچنین تحمل هزینه‌های مالی همچون الزام به پرداخت مهر، تامین نفقه ایام عده، اعطای اجرت‌المثل ونحله و هزینه ازدواج مجدد که به طور طبیعی در افزایش میزان دقت و احتیاط در هنگام تصمیم‌گیری موثر است.<sup>۱</sup>

شهید مطهری در تبیین روان‌شناختی این امتیاز محبت زن را به شکل طبیعی پاسخ و عکس‌العمل محبت مرد می‌داند. از نظر وی وفاداری زن در گرو محبت و وفاداری مرد است و بی‌علاقگی و بی‌وفایی مرد نسبت به زن او را نیز سرد و بی‌علاقه خواهد کرد، لذا سردی و خاموشی علاقه مرد برخلاف بی‌علاقگی زن مرگ ازدواج و پایان حیات خانوادگی است به همین سبب کلید فسخ ازدواج را در اختیار مرد قرار داده شده است.<sup>۲</sup> هر چند نظام اخلاقی همواره به اجتناب از طلاق و عدم استفاده نابجا از آن توصیه کرده است.<sup>۳</sup> علاوه بر وجود محدودیت‌های اخلاقی اخیراً برخی محدودیت‌های حقوقی نیز برای کنترل اراده

---

۱. مطهری، مجموعه آثار، ۱۹ / ۲۷۴؛ ر.ک: کتاب نقد، ۱۲ / ۱۲۳ به بعد.

۲. مطهری، مجموعه آثار، ۱۹ / ۲۶۲ - ۲۶۳.

۳. ر.ک: مهرپور، مباحثی از حقوق زن، ۱۶۴.



آزاد مرد در بهره‌گیری یکسویه و بعضاً ظالمانه از این امکان تدارک دیده شده که بالقوه می‌تواند در کنترل آن موثر واقع شود.<sup>۱</sup>

البته زن نیز از طرق مختلفی می‌تواند به حق طلاق دست یافته و عقد نکاح را منحل سازد از آن جمله: عدم پرداخت نفقه، جلب موافقت شوهر از طریق بخشش تمام یا قسمتی از مهر (به صورت خلع یا مبارات)؛ توسل به شرط ضمن عقد و گرفتن وکالت برای طلاق<sup>۲</sup> و طلاق قضایی (درخواست طلاق در موارد عسر و حرج)<sup>۳</sup> (← مقاله طلاق حقوقی)

طلاق در دنیای معاصر: به گفته جامعه‌شناسان هر چند طلاق از جمله اموری است که مربوط به دو فرد خاص بوده و در یک خانواده رخ می‌نماید، اما امروزه این مسئله تبدیل به یک معضل اجتماعی شده است. از نظر سی رایت، میلز مطرح کردن موضوعی مانند طلاق به عنوان مسئله اجتماعی مستلزم تبدیل آن از رفتاری‌های خصوصی به مسائل عام اجتماعی است. زیرا رفتاری‌های خصوصی ناشی از شخصیت فرد و رابطه نزدیک با آن است، اما مسائل اجتماعی، اموری است که از یک سو بر شرایط خاص و زندگی خصوصی افراد حاکم است و از

---

۱. قانون مدنی، ماده ۱۱۳۳.

۲. مهرپور، مباحثی از حقوق زن، ۱۴۴ - ۱۴۶؛ بحرانی، الحدائق الناضره، ۲۳ / ۱۲۳؛ طوسی، النهایه، ۵۲۹؛ امام خمینی رحمته الله علیه، تحریر الوسیله، ۲ / ۳۳۲، ۳۴۹؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۹ / ۲۸ - ۲۹؛ خوئی، منهاج الصالحین، ۲ / ص ۲۸۱؛ قانون مدنی، ماده ۱۱۱۹.

۳. امام خمینی رحمته الله علیه، تحریر الوسیله، ۲ / ۲۸۷؛ قانون مدنی، ماده ۱۱۳۰.

سوی دیگر به شرایط و سازمان جامعه و چگونگی ساخت وسیع اجتماعی وابسته است.<sup>۱</sup> به باور برخی، طلاق زمانی به صورت یک معضل اجتماعی ظهور می‌کند که از حدود معینی خارج شده و فراوانی آن غیرمتعارف گردد. تشخیص این وضعیت نیز با مقایسه آمار طلاق نسبت به ازدواج به دست می‌آید. در هر جامعه‌ای که در شبکه ارزش‌های اجتماعی، طلاق چندان نامطلوب نیست یا عادی و طبیعی تلقی می‌گردد، شمار آن افزایش یافته و به صورت نوعی بیماری همه‌گیر اجتماعی در می‌آید.<sup>۲</sup>

به ادعای برخی جامعه‌شناسان، میزان طلاق در قرن بیستم، در کشورهای صنعتی رشد فزاینده‌ای داشته است به ویژه در طول بیست و پنج سال گذشته میزان طلاق ۳۰۰ درصد در جوامع غربی بالا رفته است.<sup>۳</sup> طبق آمار، در برخی کشورهای اروپایی سالانه بیش از ۳۰۰ مورد طلاق در مقابل هزار ازدواج واقع می‌شود.<sup>۴</sup> تغییرات و تحولات ناشی از توسعه صنعت و شهرنشینی، و برخی

---

1. C. Wright Mills. *Low, Sociological Imagination*, 9.

۲. ساروخانی، طلاق، پژوهشی در واقعیت و عوامل آن، ص ۱۰۰؛ ر.ک: بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ۲۴۷ - ۲۴۹؛ مارتین سگالن، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ۱۷۶ - ۱۸۳؛ ر.ک: موحدی، طلاق، نگاهی دوباره؛ پیام زن، ۲۴۸.

۳. اینگلهارت، رونالد، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ص ۱۰؛ بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ص ۱۸۲.

۴. سایت خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، ۲۲/۹/۸۶.

۵. به نقل از: بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ۲۳۸.

عوامل دیگر این میزان را در کشورهای در حال توسعه در دهه‌های اخیر، افزایش داده است.<sup>۱</sup>

سیاست‌های کنترلی اسلام در مواجهه با طلاق: در روایات راه کارها و توصیه‌هایی یادآوری شده است که رعایت آنها، بستر مناسبی برای تحکیم خانواده و به حداقل رساندن طلاق، فراهم می‌سازد از آن جمله: تقدس‌بخشی به ازدواج و نهاد خانواده؛<sup>۲</sup> بیان ویژگی‌های همسر مطلوب و نامطلوب؛<sup>۳</sup> بیان ملاک کفویت و همسانی و توصیه به رعایت آن؛<sup>۴</sup> توصیه به لزوم دقت در مقام انتخاب همسر؛<sup>۵</sup> مشروط ساختن ازدواج دوشیزه به اذن پدر یا جد پدری و وکیل آنها به عنوان راهی برای افزایش اطمینان و بهینه‌سازی انتخاب؛<sup>۶</sup> محدود ساختن ارتباط با

---

۱. بروس کوئن، مبانی جامعه‌شناسی، ۱۸۲؛ ر.ک: مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، مدیریت آمار و برنامه‌ریزی، بررسی اجمالی زنان در آینه جمال، ۳؛ مصاحبه با جمعی از کارشناسان، نگاهی به آمار طلاق در ایران، دو هفته‌نامه فرهنگ و پژوهش، ش ۱۶۹، ص ۶؛ کاستلز، مانوئل، عصر اطاعات، قدرت هویت، ۲ / ۲۶۹ - ۲۷۲.

۲. حرعاملی، وسایل الشیعه، ۱۴ / ۲ - ۹، ۷۹ - ۸۰، ۹۶ - ۹۷.

۳. همان: باب ۵ - ۹، ۱۳ - ۲۲، ۲۹ - ۳۴، ۱۴۶.

۴. همان، باب ۲۵ - ۲۸.

۵. همان، باب ۳۶.

۶. همان، ابواب عقد النکاح و اولیاء العقد، باب ۸ - ۱۲.

نامحرممان به عنوان زمینه‌ای برای انصراف توجه از همسر قانونی؛<sup>۱</sup> توصیه به محبت‌ورزی به همسر با هدف ترغیب او به زندگی مسالمت‌آمیز؛<sup>۲</sup> توصیه زوجین به حسن معاشرت؛<sup>۳</sup> توصیه به رعایت عدالت میان همسران متعدد؛<sup>۴</sup> توصیه زن به لزوم اطاعت از همسر؛<sup>۵</sup> زینت و خودآرایی برای جلب توجه همسر؛<sup>۶</sup> ترغیب زوجین به داشتن روابط جنسی و وجوب تمکین؛<sup>۷</sup> توجه دادن مردان به برخی حساسیت‌های زنان؛<sup>۸</sup> و برحذر داشتن دیگران از ایجاد تفرقه در میان زوجین<sup>۹</sup> علاوه بر این نظام حقوقی اسلام نیز سیاست‌های پیشگیرانه و کنترل‌کننده‌ای را برای مهار طلاق تدارک دیده که بالقوه می‌تواند در کاهش هیجانات، فروکش کردن کینه‌ها و ایجاد فرصت اندیشه در عواقب کار و احتمالا

---

۱. همان، ابواب مقدمات النکاح، باب ۲۴، ۹۹، ۱۰۴ - ۱۱۰، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۵، ۱۱۸، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۰ - ۱۳۲.

۲. همان، باب ۳.

۳. همان، باب ۸۱، ۸۲، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۹۰.

۴. نساء، ۳.

۵. حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴ / ۹۱.

۶. همان، باب ۸۰، ۸۵، ۱۰۱.

۷. همان، باب ۴۹، ۷۹، ۸۰، ۸۳، ۱۰۲، ۱۴۰.

۸. همان، باب ۹۰.

۹. همان، باب ۱۲.

تجدید نظر در تصمیم ابتدایی به طلاق موثر واقع شود. اهم این تدابیر عبارتند از:

بطلان طلاق در ایام عادت به علت وضعیت جسمی و روحی زن در این ایام و نیز استفاده از آن به عنوان بهانه‌ای جهت تاخیر طلاق و ایجاد امکان جهت تفکر بیشتر راجع به تصمیم در حال وقوع؛<sup>۱</sup> لزوم رعایت فاصله زمانی میان آخرین نوبت آمیزش با ایام عادت و گذر آن (ورود زن به طهر غیر موقعه)<sup>۲</sup> یا وضع حمل و گذر ایام نفاس؛<sup>۳</sup> مشروط ساختن صحت طلاق به حضور دو شاهد عادل<sup>۴</sup> قراردادن ایام عده<sup>۵</sup> و عدم انقطاع کامل پیوند زناشویی به مجرد طلاق (جز در موارد خاص)؛<sup>۶</sup> منع اخراج زن از محل سکونت پیشین در ایام عده؛<sup>۷</sup> محدود ساختن طلاق رجعی به دو مرحله و مجازات روانی آن به وسیله

---

۱. شهید ثانی، مسالک الافهام، ۳۵/۹؛ نجفی، جواهر، ۲۹/۳۲؛ حسان محمود، مشاكل الطلاق، بین الشرع و العرف، ۱۴۶-۱۴۷.

۲. مفید، المقنعة، ۵۲۶؛ خوئی، منهاج الصالحین، ۲/۲۹۳.

۳. شهید ثانی، مسالک الافهام، ۳۵/۹؛ نجفی، جواهر الکلام، ۲۹/۳۲.

۴. محقق حلی، شرایع الاسلام، ۳/۵۸۷؛ نجفی، جواهر الکلام، ۱۰۸/۳۲؛ امام خمینی رحمته الله، تحریر الوسیله، ۲/۳۳۱؛ قانون مدنی، ماده ۱۱۳۴.

۵. بقره، ۲۲۸.

۶. فاضل هندی، کشف اللثام، ۸/۶۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ۳۲/۱۲۱.

۷. طلاق، ۱، ۶؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ۳/۶۰۵؛ طباطبائی، میزان، ۱۹/۳۱۲ - ۳۱۳؛ مکارم شیرازی، تفسیر، ۲۴/۲۵۲.

محلل در مرتبه سوم؛<sup>۱</sup> الزام به پرداخت مهر یا متاع متناسب با توان مالی مرد و شان زن در موارد خاص؛<sup>۲</sup> و نفس اعطای حق طلاق ابتدایی به مرد، با توجه به ویژگی‌ها و موقعیت او،<sup>۳</sup> خود عامل مهم دیگری در جهت مهار نسبی طلاق و کاهش وقوع آن است. (ر.ک: مقاله طلاق فقهی)

بسیاری از فقها و اندیشمندان نیز با استناد به آیات<sup>۴</sup> و روایات<sup>۵</sup> راهکارهایی برای جلوگیری از طلاق ارائه نموده‌اند<sup>۶</sup> از آن جمله: توصیه طرفین و دیگران به اصلاح ذات‌البین و دخالت با هدف رفع اختلافات خانوادگی؛<sup>۷</sup> ترغیب زوجین به پذیرش صلح و آشتی؛<sup>۸</sup> توصیه به تشکیل محکمه خانوادگی و بهره‌گیری از نفوذ و اعتبار نزدیکان و خویشان برای رفع اختلافات بوجود آمده؛<sup>۹</sup>

زمینه‌ها و علل طلاق: برخی از جامعه‌شناسان بر این باورند که علل و عوامل مؤثر بر طلاق مانند بسیاری از آسیب‌های اجتماعی دیگر از پیچیدگی خاصی

---

۱. بقره، ۲۳۰؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ۸ / ۶۲؛ نجفی، جواهر الکلام، ۳۲ / ۱۲۱.

۲. بقره، ۲۳۶، ۲۴۱؛ طباطبائی، المیزان، ۲ / ۲۴۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر، ۲ / ۱۹۹ - ۲۰۱.

۳. قانون مدنی، ماده ۱۱۳۳.

۴. نساء، ۳۵، ۱۲۷.

۵. صدوق، من لا یحفره الفقیه، ۳ / ۵۲۱.

۶. مفید، المقنع، ۳۵۱؛ طوسی، المبسوط، ۴ / ۳۳۹ - ۳۴۰؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۳ / ۸۳ - ۸۴.

۷. انفال، ۱.

۸. نساء، ۱۲۸، ۱۳۰.

۹. نساء، ۳۵.

برخوردار است تا جایی که حتی نسبت به دو خانواده متفاوت، همسان نیست و عوامل بیشماری بر طلاق و جدایی زوجین مؤثر است، زیرا ازدواج، دو انسان را که هر کدام شخصیت منحصر به فردی دارد و زمینه‌های تربیتی مختلفی داشته است، در یک زندگی مشترک درگیر می‌کند<sup>۱</sup> آنتونی گیدنز تقریباً همه عوامل مؤثر بر طلاق را مربوط به تحولات ساختاری و تغییرات اجتماعی گسترده‌ای می‌داند که در جوامع امروزی به وجود آمده است<sup>۲</sup> گروهی نیز روند رو به رشد طلاق را نتیجه تغییر کارکردهای خانواده و تغییر وظایف آنها، ادراک‌های متفاوت از ازدواج، و امکانات و انتخاب‌های تازه‌ای دانسته‌اند که امروزه برای زنان به وجود آمده و به نگرش‌های تازه‌ای در مورد طلاق منتهی شده است<sup>۳</sup> بر این اساس جامعه‌شناسان طلاق را نیز همچون سایر پدیده‌های اجتماعی معلول مجموعه‌ای از عوامل آشکار و پنهان دانسته‌اند که هر مورد طلاق تحت تأثیر شبکه منحصر به فردی از علل مستقیم و غیرمستقیم و زمینه‌های درونی و بیرونی به هم پیوسته به وجود می‌آید. زیرا طلاق از یک سو بازتاب شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است و از سوی دیگر معلول عوامل درونی در خانواده و

---

۱ بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ۱۳۴.

۲ گیدنز، جامعه‌شناسی، ۴۲۷.

۳ پاتریک نولان، جامعه‌های انسانی، ۴۵۹.

کیفیت و چگونگی آن می‌باشد.<sup>۱</sup> عوامل موثر در طلاق با توجه به فضای کلی حاکم بر جهان به ویژه به تبع استیلای فرهنگی غرب و انعکاس الگوهای زیستی آن در گستره وسیعی از جامعه معاصر در دو بخش عوامل فردی و اجتماعی قابل تبیین است..

### علل فردی

وجود مجموعه گسترده‌ای از برخی عوامل محسوس و مشهود در سطح فردی، وقوع طلاق در زمینه‌های تزلزل‌آفرین را که در بخش عوامل اجتماعی یادآوری شد، تشدید می‌کند. بخشی از این علل عبارتند از:

**علل فرهنگی:** کارشناسان از بعد فردی عوامل فرهنگی متعددی را در زمینه‌سازی و گسترش طلاق مؤثر دانسته‌اند گناهای همچون زیاده‌روی‌های مختلف (مثل الکلیسم مزمن یا اعتیاد به مواد مخدر) تعدی (زورگویی، بدرفتاری و ...) توهین و فحاشی و رفتارهایی که به آبروی اشخاص لطمه می‌زند از مهمترین علل ارادی طلاق شمرده شده است.<sup>۲</sup> از مجموع دیدگاه‌های جامعه‌شناسان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- همسان نبودن زوجین: ناهمسان همسری ریشه در ویژگیهای شخصیتی، تربیتی و فرهنگی افراد دارد، به طور معمول دو نفر که از دو بستر فرهنگی

---

۱. رک: ساروخانی، طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ص

۲. آندره مورالی، جامعه‌شناسی روابط جنسی، ۱۱۱ - ۱۱۲.



ناهمگون و دو خاستگاه اجتماعی متفاوت برخاسته، و با ارزشها، معیارها و الگوهای متمایزی پرورش یافته‌اند، جهان‌بینی، افق دید و اهداف متفاوتی دارند گرچه در آغاز تحت تأثیر تعلقات عاطفی و شوریدگی‌های احساسی بر این تفاوت‌ها فایق آمده باشند؛ اما به زودی این شکافها و تعارض‌ها فردی آشکار می‌شود، هر چند برخی از این ناهمسانی‌ها در ادامه زندگی مشترک امکان بروز دارد. مانند ناهمسان شدن موقعیت تحصیلی زوجین که می‌تواند افزایش طلاق را زمینه‌سازی کند.<sup>۱</sup> بنابراین، همسانی دو همسر به عنوان یکی از مهم‌ترین عوامل پیشگیری از اختلافات زناشویی یا رفع آنها باید مورد توجه خاص قرار گیرد.

- سوء معاشرت: تعامل منفی، بد اخلاقی، کشمکش، عیب‌جویی و خرده‌گیری افراطی، خشونت کلامی و فیزیکی فردی نیز از شایع‌ترین علل طلاق شمرده می‌شود.<sup>۲</sup> طبق برخی مطالعات متغیرهای سن زن و شوهر به هنگام ازدواج، طول مدت ازدواج زوجین، میزان آزادی زوجین در انتخاب همسر، تعداد فرزندان، میزان پایبندی زوجین به اعتقادات دینی، میزان تحصیلات شوهر و درآمد او؛ دخالت خویشاوندان، وجود سابقه خشونت والدین زوجین؛ با انواع خشونت

---

۱. ر.ک: ساروخانی، طلاق، پژوهشی در واقعیت و عوامل آن، ص، فصل پنجم.

۲. ر.ک: ماهیار آذر، طلاق، علل، پیامدها و بجه‌های طلاق، ۲۱ - ۳۰۲۵. احمدی، پرخاشگری و جنایت، مقاله

«بررسی جامعه‌شناختی عوامل مؤثر در خشونت شوهران بر ضد زنان در خانواده، ۱۷۲.

شوهران رابطه دارد.<sup>۳</sup> بدون تردید عوامل خشونت خانگی عوامل با واسطه طلاق نیز محسوب می‌شوند. سوء معاشرت و بداخلاقی از جمله عواملی است که در احادیث نیز مجوز طلاق عنوان گردیده است (کافی ۶ / ۵۶۵۵)

- دخالت اطرافیان زوجین: وابستگی زوجین به والدین یا سایر بستگان - با فرض دخالت غیرمسئولانه این افراد - و همجواری با آنها، در مراحل اولیه، زمینه‌های وسیعی را برای ورود آنها به حریم ارتباطی زوجین فراهم ساخته و در مواردی ابتکار عمل را از زن و شوهر سلب می‌کند. البته دخالت مسئولانه آنها در زندگی خصوصی همسران جوان، علاوه بر ادای یک وظیفه اخلاقی، آنان را از یک پشتوانه قوی برای رویارویی با مشکلات محتمل زندگی برخوردار خواهد ساخت.

- اعتیاد زوج به مواد مخدر: اعتیاد به دلیل دارا بودن برخی آثار همچون طرد اجتماعی، از دست دادن شغل، ابتلاء به فقر و بیماری، عدم قدرت بر تأمین انتظارات اطرافیان، افول یا زوال موقعیت فرد در نزد خانواده همسر، خرده‌گیری و تحقیر آزاردهنده نزدیکان و آثاری از این دست انگیزه همسر و خانواده او را برای تصمیم قاطع و بازگشت‌ناپذیر به طلاق، جدی می‌سازد. اعتیاد در ناحیه زوجه نیز همین آثار را با تأکید بیشتر، به دنبال خواهد داشت.<sup>۱</sup>

---

۱. آندره مورالی، جامعه‌شناسی روابط جنسی، ۱۱۱.

افزون بر عوامل یادشده عوامل فردی دیگری نیز در گسترش طلاق موثر است از جمله: خیانت همسر طرح توقعات فزاینده و تمنیات بی‌جواب از ناحیه همسر و عدم امکان یا عدم اهتمام به رعایت آنها از سوی شوهر که بالطبع کاهش رضایت از زندگی و بروز ناخرسندی معترضانه زن را به دنبال خواهد داشت، بی‌اعتنایی هر یک از زوجین به انتظارات طرف مقابل و بستگان او. به گفته جامعه‌شناسان عدم تحقق انتظارات تعادل بین خواسته‌ها را بر هم می‌زند. هر کدام از زن و شوهر با تصورات خاصی درباره زندگی زناشویی اقدام به ازدواج می‌کنند و زندگی را با انتظارات خاصی آغاز می‌نمایند که در صورت برآورده نشدن پشیمان خواهند شد.<sup>۲</sup> عدم التزام به رعایت شئون اخلاقی و مذهبی متناسب با انتظارات عرف و حساسیت‌های طرف مقابل یا خانواده او. تمایل زن به اشتغال بیرونی به‌رغم مخالفت همسر، محکومیت وزندانی شدن طولانی مدت شوهر، مهاجرت نامعلوم یا پنهانده شدن به یک کشور خارجی به‌رغم مخالفت همسر، و مهاجرت خانوادگی به کشورهای دارای فاصله فرهنگی زیاد با جامعه میزبان می‌تواند در گسترش طلاق مؤثر باشد.<sup>۳</sup>

---

۱ کافی، مبانی جامعه‌شناسی، ۲۱۰ - ۲۱۱؛ آذر، طلاق، علل پیامدها و بچه‌های طلاق، ۲۱ - ۲۵؛

۲. ازکمپ، روانشناسی اجتماعی کاربردی، ۲۶۰.

۳. درویش‌پور، بررسی مسأله طلاق در خانواده‌های ایرانی مهاجر، ۴۷ - ۵۳.

علل دیگر طلاق عبارت است از ابهام نقش (نامعلوم بودن وظایف و فعالیت‌هایی که شخص باید بر حسب موقعیت محول خود انجام دهد و نامعلوم بودن توقعات و انتظارات از وی)، مغایرت انتظارات از شخص با ارزشها و نگرشهای او، گرانباری نقش (فراوانی وظایف یک موقعیت یا به عبارتی سنگین بودن و زیاد بودن وظایف یک موقعیت اجتماعی همچون الزام همسر به انجام فعالیت‌های متنوع نظیر سرپرستی والدین بیمار، کار در مزرعه و کارهای دیگر علاوه بر وظایف معمول خانگی)، بروز تغییرات ناگهانی در موقعیت اقتصادی و اجتماعی فرد.<sup>۱</sup>

**علل ذهنی - روانی:** فقدان بلوغ ذهنی و روانی متناسب با بلوغ جسمی و جنسی، پایان‌یابی عشق آغازین، ضعف همدلی، وقوع دگرگونی در ذهنیت پیشین تحت تأثیر افزایش سن و تجربه همزیستی، بروز کراهت و تنفر متقابل یا یکسویه، عدم توجه به حساسیت‌های طرف مقابل، اختلالات شخصیتی (با ویژگی‌هایی همچون وابستگی، انفعال، ناپختگی، دمدمی بودن، سوء ظن مرضی، وسواس، بی‌قراری و مانند آن)، اختلالات ذهنی (با علائمی همچون تعارضات شناختی، ادراکات تحریف شده، نگرشهای منفی، کلیشه‌های ناهمخوان، پیشداوری، خود بزرگ‌پنداری، قومیت‌گرایی و مانند آن) و اختلالات رفتاری افراد نیز از جمله

---

۱. Conger & Elder, Linking Economic Hardship To Material Quality, Journal Of Marriage And The Family, 1900, 646

عوامل موثر در طلاق شمرده شده است. در منابع دینی نیز علل ذهنی و روانی شدید که منجر به جنون شود مجوز جدایی و فسخ نکاح دانسته شده است (وسائل، ج ۲۱، ۲۲۵)

**علل جسمی یا زیستی:** به گفته جامعه‌شناسان ناتوانی جنسی زوجین، سرد مزاجی مرضی، بی‌توجهی به نیازهای جنسی طرف مقابل، ضعف مهارت در کامجویی، نشوز مستمر و عدم تمکین خاص، نازایی زوجه یا ناباروری یکی از زوجین، ابتلا به بیماریهای خاص نیز از جمله این علل محسوب می‌شود.<sup>۱</sup> در احادیث نقل شده از اهل بیت (ع) نیز پاره‌ای از این بیماری‌ها مجوز طلاق و فسخ ازدواج عنوان گردیده است (ر.ک: وسائل، ج ۲۱ / ۲۲۳-۲۳۳)

#### عوامل خانوادگی و اجتماعی

- بروز تحولات ساختاری: به گفته برخی از اندیشمندان تزلزل ارزشها، زندگی شهرنشینی و تحرک جغرافیایی تاثیر انکارناپذیری بر خانواده داشته، و کارکردهای گذشته خانواده را دگرگون ساخته است. از آن جمله به دلیل وابسته نبودن زن و شوهر به یکدیگر در خدمات و تولید ضروریات زندگی، انحلال خانواده در محیط شهری و صنعتی در مقایسه با یک جامعه کشاورز آسان‌تر

---

۱. فرجاد، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۵۹ - ۶۰؛ آذر، طلاق، علل پیامدها، ۲۴.

صورت می‌گیرد<sup>۱</sup> کاهش پایبندی به ارزشهای مذهبی و دینی از دیگر عوامل مهم تاثیرگذار در افزایش طلاق است.<sup>۲</sup> کاهش حضور اجتماعی دین و سنت‌های دینی و غلبه گرایش‌های سکولاریستی در میان اقشار تحصیل کرده و طبقه متوسط، مهاجرت گسترده از روستا به شهر و رشد شهرنشینی، تکثرگرایی فرهنگی، تنوع‌یابی گفتمانهای اجتماعی و اخلاقی، جدا شدن محیط کار از خانه، کاهش نظارت و کنترل اجتماعی، تبدیل خانواده گسترده به خانواده هسته‌ای، شکل‌گیری صورت‌های جدیدی از روابط شبه خانوادگی، شخصی شدن ازدواج و کاهش دخالت خویشان و نزدیکان در فرایند انتخاب (به عنوان یکی از نمودهای استقلال‌طلبی که خود زمینه محرومیت از حمایت‌های آنها در شرایط بحران را فراهم ساخته است)، تضعیف سبک الگوی پدرسالارانه خانواده، مشارکت گسترده اجتماعی و اقتصادی زنان و دست‌یابی آنان به منابع مالی و خدمات تأمین اجتماعی. (به گفته برخی جامعه‌شناسان بین نرخ طلاق و فعالیت شغلی زن همبستگی بارزی وجود دارد، به طوری که نسبت طلاق در میان زنان شاغل و حرفه‌ای تقریباً دو برابر نسبت آن در میان سایر زنان است. هرچه پایگاه اجتماعی و اقتصادی زن بالاتر باشد، احتمال اینکه اقدام به دادخواست قانونی

---

۱ بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ۱۳۳.

2. Udry. R. Social Control Of Marriage, New york, 1971, 456.

برای طلاق کند بیشتر می‌گردد.<sup>۱</sup> تنزل روابط زوجین به سطح روابط اداری و سازمانی، تشابه نقش‌های جنسیتی در بیشتر عرصه‌های حضور به جای تفکیک آنها (که به زوال یا کم‌رنگ شدن مرزهای جنسیتی منجر شده است)، رجحان‌یابی برابری و رفع تمایزات حقوقی (که به آثاری همچون کاهش روحیه تمکین در زن و تزلزل قوامیت مرد در خانه منجر شده است)، تغییر قوانین به نفع حقوق فردی انتزاعی، مطلوبیت تجربه تحرک اجتماعی مستمر (که به پویایی موقعیت‌ها و در مواردی بروز فاصله میان موقعیت زوجین در فرایند زندگی مشترک کمک می‌کند)، تغییر قوانین طلاق<sup>۲</sup> تسهیل تقاضا و اقدام به طلاق، کاهش هزینه‌های مالی، عدم الزام به ارائه دلیل موجه به مراجع قضایی، ترجیح حضانت مادر به عنوان الگوی غالب در بسیاری از کشورها) عوامل دیگری مانند آن به افزایش آمار طلاق کمک کرده است. گاردنر در توصیف برخی قوانین کشورهای غربی [کانادا] مانند پرداخت مزایای رفاهی بیشتر به زوج‌های غیر قانونی که بدون ازدواج با یکدیگر زندگی می‌کنند و اعطای مزایا و موقعیت متأهلان به همجنس‌بازان و پرداخت یارانه به زن‌های جوان، برای زایمان و

---

۱ سگالن، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ۱۸۱.

۲ بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ۱۳۳.

نگهداری کودکان نامشروع و دادن نیمی از دارایی زوج به زن در صورت طلاق را موجب زوال تدریجی خانواده دانسته است.<sup>۱</sup>

- بروز تحولات فرهنگی - اجتماعی: در جوامعی که در حال گذر از یک وضع اجتماعی خاص به وضع و شرایط دیگری هستند، مشکلاتی پدید می‌آید که از آن جمله تغییر موضع عناصر اخلاقی و فرهنگی و ارزش‌های اجتماعی است. به هر میزان که تحول سریع باشد تضاد و جابجایی ارزش‌ها چشمگیرتر می‌باشد. و نظام ارزش‌های جامعه دستخوش آشوب می‌گردد که بازتاب آن در نظام ارزش‌های خانواده نیز قابل مشاهده است و با ایجاد نابسامانی و کشمکش موجب افزایش طلاق می‌گردد.<sup>۲</sup> جامعه‌شناسان بر این باورند که تحولات فرهنگی اجتماعی عواملی را به وجود آورده‌اند که میزان و رشد طلاق در جوامع به ویژه جوامع صنعتی را بالا برده است. برخی از این عوامل عبارتند از: غلبه زیست‌شناسی ماتریالیستی و تأکید بر این که رفتار جنسی باید خارج از کنترل بافت اجتماعی، اخلاقی و عاطفی باشد؛ شیوع آموزه‌های فمینیستی تهاجمی ایدئولوژیک به تفاوت‌های جنسی، گریز غالب زنان از التزام به وظایف کدبانویی و احساس بی‌عدالتی نسبت به نظام تقسیم کار خانگی، غلبه خودخواهی و فردگرایی لجام‌گسیخته، تغییر مفهوم خانواده از یک نهاد اجتماعی به یک

---

۱. گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، ۳۳۶.

۲. دانیو، آندره مورالی، جامعه‌شناسی روابط جنسی، ۱۱۰؛ مساواتی، آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، ۲۸۱.



قرارداد مشترک<sup>۱</sup>، تأکید بر احساسات و عشق رومانتیک به عنوان کانونی‌ترین ملاک انتخاب همسر<sup>۲</sup> (جایگزینی قلب به جای عقل به عنوان تنها راهنمای افراد در گزینش همسر)، آرمان‌زدگی و نگاه افسانه‌ای و غیر واقع‌بینانه به زندگی و تحولات آن، توجیه‌ناپذیر شدن تحمل مشکلات زندگی مشترک و کاهش آستانه صبر، سست شدن بنیادهای اخلاقی، نسبی‌گرایی اخلاقی، نشستن قانون به جای اخلاق، استقرار روان‌شناسی به جای اصول اخلاقی، جایگزینی احساسات به جای اعتقادات، غلبه روحیات متلون و دم‌غیمرتی، نقض تدریجی همه قیود سنتی، دینی و اخلاقی در روابط جنسی، غلبه علم‌گرایی در نظام آموزشی و بی‌اعتنایی به تربیت اخلاقی، کاهش تصور نامطلوب از مطلق و مطلقه بودن، زیرا برچسب طلاق در جوامع صنعتی امروزه، ننگ بزرگی نیست، بلکه در صورت بروز تنش‌ها میان زوجین، به صورت راه حل اجتماعی پذیرفته شده‌ای در آمده است.<sup>۳</sup> برخی از جامعه‌شناسان بحران وجدان جمعی در جوامع صنعتی را از مهمترین عوامل زمینه‌ساز طلاق دانسته‌اند، به اعتقاد دورکیم به هر میزان که وجدان جمعی قوی‌تر باشد، خشم عمومی در مقابل هنجار شکنی حادثتر است. جامعه‌ای که طلاق را پدیده‌ای عادی و طبیعی می‌داند، رواج آن را نیز موجب

---

۱ مارتین سگالن، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ۱۷۶.

۲ بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ۱۳۴؛ ویلیام جی، گود، خانواده و جامعه، ۲۵۳.

۳ بروس کوئن، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ۱۳۳؛ آنتونی کیدنز، جامعه‌شناسی، ۴۲۸؛ مارتین سگالن،

جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ۱۷۶.

می‌شود. در جوامع کنونی، نوعی تساهل نسبت به طلاق ایجاد شده که قبح آن را کاهش داده و در نتیجه انسانها در برخورد با اولین مشکل به طلاق می‌اندیشند.<sup>۱</sup> به اعتقاد برخی کارشناسان، اشتغال زن در سازمانهای شغلی به طور معمول زمینه التذاذهای بصری و سمعی در فضای ارتباط با همکاران را فراهم می‌سازد. این موضوع تدریجاً به شکل‌گیری نوعی پیوند صمیمی و دل‌مشغولی مطبوع توأم با احترام متقابل و در عین حال فارغ از انتظار و تکلیف منجر می‌شود و بخشی از نیاز عاطفی زن که او را به همسر وابسته می‌سازد، از این طریق تأمین می‌گردد. حصول این پاداش روانی، رفته رفته به تضعیف پیوند زناشویی و کاهش وابستگی عاطفی به شوهر منجر می‌شود.<sup>۲</sup>

**علل اقتصادی:** برخی از صاحب‌نظران بر این باورند که دوران‌های سخت اقتصادی در جامعه، یکی دیگر از علل اجتماعی است که نتایج زیانباری بر خانواده‌ها همچون احتمال از هم‌گسیختگی و بی‌سامانی خانواده تحمیل می‌کند. محدودیت اقتصادی موجود در جامعه و خانواده تعاملات مثبت زوجین را

---

۱ ساروخانی، طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ۱۲، ۸۹.

۲. ر.ک: گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، ۲۲، ۲۳، ۲۸، ۳۰، ۵۵، ۵۶، ۶۲، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۵، ۱۱۳، ۱۲۸، ۱۳۹، ۱۵۵، ۱۹۱، ۲۳۴، ۲۴۱، ۲۴۶، ۳۳۵، ۳۳۹، ۳۴۸؛ سگالن، مارتین، جامعه‌شناسی تاریخ خانواده،

۱۷۶؛ ساروخانی، طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ۸۸.

کاهش داده و گرایش آنان را به طلاق افزایش می‌دهد.<sup>۱</sup> افزون بر کاهش درآمدها و متعادل نبودن اقتصاد خانواده عوامل اقتصادی دیگری نیز در این زمینه موثر است. از آن جمله: عدم رعایت حقوق مالی همسر و بی‌توجهی در تأمین نفقه متناسب با انتظار و شأن وی در این خصوص از نظر شرعی نیز در صورتی که زوج با وجود توانایی حاضر به پرداخت نفقه نباشد زن می‌تواند با مراجعه به حاکم شرع درخواست طلاق کند. (امام خمینی، تحریر الوسیله، ۲ / ۲۸۷؛ فاضل لنکرانی، النکاح، ۳۱۴-۳۱۵؛ ر.ک: طلاق حقوقی)، ناهمخوانی میان هزینه‌های معمول زندگی و امکانات، متناسب نبودن توقعات زن با امکانات مالی شوهر، اختلاف طبقاتی در اجتماع و خانواده زن و شوهر، افزایش غیر منتظره اعضای خانواده، نبود امنیت شغلی در جامعه و از دست دادن شغل دارای موقعیت اقتصادی و اجتماعی بالا، وجود مشکل بیکاری در جامعه و در نتیجه آن بیکاری مستمر زوج و ابتلا به فقر و ناداری طولانی مدت<sup>۲</sup> و پرکاری و اشتغال فوق‌العاده افراد به فعالیت‌های معمول و غفلت از وظایف همسری و پیشدستی زن در طرح مطالبات حقوقی (برای مثال، مطالبه مهریه از طریق توسل به مجاری قانونی با هدف اعمال فشار بر مرد)

---

۱ Conger & Elder, Linking Economic Hardship To Material Quality, Journal Of Marriage And The Family, 1900, 646.

برخی از دانشمندان بر این نکته تاکید کرده‌اند که رشد فزاینده طلاق به عنوان یک آسیب اجتماعی اقتضا می‌کند که بیش از علل و دلایل فردی توجه‌ها و تاکیدها بر عوامل فرافردی و زیر ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی و تحولات بنیادینی که عمدتاً تحت تأثیر فرایند مدرنیته و اشاعه امواج تمدن صنعتی غرب به سایر جوامع بوجود آمده، متمرکز گردد.<sup>۱</sup>

پیامدهای طلاق: جامعه‌شناسان طلاق را نیز همچون سایر پدیده‌های اجتماعی به ویژه در صورت شیوع، دارای آثار و پیامدهای غالباً ناخوشایندی دانسته‌اند. در یکی جمع‌بندی از مجموع دیدگاه‌های آنها می‌توان پیامدهای طلاق را به سه دسته عمده: پیامدهای طلاق برای همسران (زنان و مردان)؛ پیامدهای طلاق برای فرزندان، و آثار اجتماعی آن تقسیم نمود.<sup>۲</sup>

---

۱. تافلر، الوین، موج سوم، ۲۸۹؛ رک: قنادان، جامعه‌شناس، ۱۶۷؛ کلافی، بررسی اختلالات روانی مؤثر بر طلاق، ۱۱۵؛ مور، استفن، دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی، ۶۹؛ کارلسون، خانواده درمانی، ۱۸۲ - ۱۸۳؛ ستیر، ویرجینیا، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ۵۷؛ ابوت، پاملا، جامعه‌شناسی زنان، ۱۷۸، ۲۳۹؛ بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ۲۳۸ - ۲۴۲؛ پارسونز، مبنای و رشد جامعه‌شناسی، مقاله «ساختار اجتماعی خانواده»، ۷۳۰؛ فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی، ۱۳۷۲؛ اسپرینگ، جینس، آبراهامز، پیوند زخم‌خورده، ۱۳۸۰ [چند مورد از استنادات که در دسترستان بود کنترل و مابقی حذف شود]

Mckenry Patrice C. & Sharon J.Price, FAMILIES And CHANGE, p232; Allan ,Graham & Crow, Graham:Families,Households and Socity, p128; Kohen, Janet & Roslynl feldberg; Isolation and Invasion: The Conditions Of Marriage and Divorce ; in The Family, p320 \_ 322.

۲. رک: فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی و ستیزهای خانوادگی و طلاق، ۱۵۳ - ۱۶۵.

الف. پیامدهای طلاق برای همسران: در میان اندیشمندان اتفاق نظر و معیار واحدی برای بیان پیامدهای طلاق بر زوجین وجود ندارد و هر کدام با توجه به جامعه و فرهنگی خاص به بیان و شمارش این پیامدها پرداخته‌اند. تایبر (Tayber) مهمترین پیامد طلاق بر همسران را احساس گناه یا احساس شکست و ناکامی می‌داند؛ زیرا آنها خود را مسبب بدبختی فرزندانشان می‌دانند.<sup>۱</sup> آنتونی گیدنز نیز مواردی از قبیل زیان اقتصادی برای زوجین به ویژه برای زنان، پایدار ماندن یک نوع حس وابستگی عاطفی به طرف دیگر، احساس اضطراب یا هراس، احساس تنهایی و احساس از دست دادن محیط امن خانه، را از جمله پیامدهای طلاق برای زوجین بر می‌شمارد.<sup>۲</sup>

برخی دیگر که پیامدهای طلاق زوجین را به دو دسته بازگشت به مجرد یا تک سرپرستی و ازدواج مجدد تقسیم نموده‌اند و بر این باورند که زنان مطلقه از آسیب‌پذیری بیشتری برخوردارند. براساس این دسته‌بندی مشکلات مالی به ویژه برای زنانی که فرزند خردسال دارند، مشکلات جنسی به دلیل متوقف شدن رابطه منظم جنسی، مشکلات پرورش و کنترل فرزندان از جمله مشکلات بازگشت به مجرد بوده و مشکل پیوند عاطفی با فرزندان که در خانواده‌های ناتنی به ندرت امکان‌پذیر است، مشکل وحدت و یکپارچگی که وجود فرزندان

---

۱. تایبر، بچه‌های طلاق، ۳۳ - ۳۵.

۲. گیدنز، جامعه‌شناسی، ۲۳۰ - ۲۳۱.

ناتنی زوجین را در رسیدن به تعریف مشترکی از یکپارچگی و یگانگی با مشکل روبرو می‌سازد، مشکل برقراری نظم و برخی مشکلات مالی که غالباً به دلیل وجود فرزندان طبیعی و فرزندان همسر، عملاً در خانواده تأمین مالی می‌شوند از مشکلات و پیامدهای ازدواج مجدد به شمار می‌آید.<sup>۱</sup>

پیامدهای دیگر نیز در این خصوص گزارش شده است، مانند: انزوای اجتماعی و اختلال در هویت اجتماعی و کاهش فرصت‌های ازدواج به ویژه برای زنان،<sup>۲</sup> مشکلات روحی ناشی از ریاضت جنسی، فشارهای عاطفی روانی همچون افسردگی و استیصال (ناشی از تنهایی، سرکوفت اطرافیان، احیاناً طرد بستگان، از دست رفتن آرزوها، احساس غبن و مانند آن)، کاهش ضریب امنیت اجتماعی (افزایش امکان آزار و مزاحمت جنسی)، نگرانی ناشی از نامشخص بودن سرنوشت و وضعیت آینده، کاهش منزلت اجتماعی، محدودیت امکان ازدواج مجدد به دلیل حضانت فرزندان، محدودیت امکان اشتغال و ادامه تحصیل به دلیل سرپرستی فرزندان، مشکلات ناشی از دوگانگی نقش (ایفای هم زمان نقش پدری و مادری برای فرزندان، چه اینکه مرد نیز در صورت قبول سرپرستی، باید نقش مادری ایفا کند). کاهش اعتماد به نفس، افزایش تمایل به انزوای اجتماعی، اختلال در هویت (به دلیل از دست رفتن شان همسری)،

---

۱. بستان، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، ۲۵۹ - ۲۷۱.

۲. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی و ستیزه‌های خانوادگی و طلاق، ۱۵۳ - ۱۶۵.

کاهش نشاط برای اقدام به ازدواج مجدد، بی‌اعتمادی نسبی به جنس مقابل، تسری برخی پیامدهای ناشی از شکست به سایر اعضای خانواده و بستگان، احتمال بروز برخی مشکلات و مزاحمت‌ها از سوی شوهر قبلی، مشکلات ارتباطی زن عهده‌دار سرپرستی فرزندان با شوهر سابق در صورت ازدواج مجدد، مشکلات روانی ناشی از دل‌کندن از بچه‌ها و واگذاری آنها به شوهر به ویژه در صورت محدود شدن ارتباط با آنها،

آسیب‌شناسان اجتماعی، طلاق را عامل موثری در سوق پیدا کردن برخی از افراد به مصرف دخانیات، مواد مخدر، الکل، انحرافات جنسی، اختلالات شخصیتی و رفتاری، ضعف التزام اخلاقی، بی‌نظمی‌های شغلی، وابستگی افراطی به دیگران، انتقامجویی از جنس مقابل، خودکشی و مانند آن قلمداد کرده‌اند.<sup>۱</sup>

#### ب. پیامدهای طلاق برای فرزندان

بسیاری از پژوهشگران در مورد پیامدهای طلاق بر کودکان تقریباً به نتایج مشابهی رسیده‌اند تایبر (Tayber) به این نتیجه رسیده است که تقریباً تمامی کودکان در سال اول جدایی، دچار احساس خشم، ترس، افسردگی و احساس گناه می‌شوند هر چند این حالت برای همه یکسان نیست، بلکه در شرایط مختلف، و در سنین متفاوت بین دختر و پسر تفاوت‌هایی وجود دارد. در سنین پیش از دبستان واکنش بچه‌ها به صورت خشم و افسردگی نمایان می‌شود که

---

۱. جان برناردز، درآمدی به مطالعات خانواده، ۲۵۲؛ فرجاد، بررسی مسائل اجتماعی ایران، ۵۰.

پسرها ناآرام‌تر خشن‌تر و دچار نوعی بی‌نظمی می‌گردند اما دخترها بیشتر عصبی مزاج و بعضاً رفتاری شبیه پدر و مادر به خود می‌گیرند. بچه‌های ۶ تا ۸ ساله دچار افسردگی شدید می‌شوند که با مرور زمان جای خود را به خشم و خشونت می‌دهد. فرزندان ۹ تا ۱۲ ساله واکنش‌های خشم‌آلودی از خود نشان می‌دهند که تقریباً در همه برخوردهای آنان بروز می‌کند. جوانان در ابتدای جدایی احساس «فریب خوردگی» کرده و سعی می‌کنند از محیط خانه دور باشند اما مهم‌ترین مشکل آنها این است که رفتار نوعی تعارض برای وفاداری به مادر یا پدر می‌شوند.<sup>۱</sup>

جامعه‌شناسان به برخی از پیامدهای طلاق بر کودکان اشاره کرده‌اند از آن جمله: احساس نارضایتی و سردرگمی، از دست دادن عزت نفس، کم شدن دلبستگی نسبت به والدی که حضانت کودک را برعهده ندارد.<sup>۲</sup>

احساس شدید فقدان، نگرانی و اضطراب، احساس طرد شدن، احساس تنهایی، خشم، و تعارض در وفاداری. که بسته به سنین مختلف و نیز جنسیت افراد متفاوت است.<sup>۳</sup>

---

۱. تایبر، بچه‌های طلاق، ۳۹ - ۴۱.

۲. درآمدی به مطالعات خانواده، ۲۰۹ - ۲۱۲.

۳. مک کی، طلاق، ۱۴۲ - ۱۴۹.



گیدنز (Giddens) سنجش اثرات طلاق بر کودکان را بسیار دشوار دانسته و عوامل متعددی را در تأثیرپذیری کودکان از جدایی والدین مؤثر می‌داند از قبیل میزان ستیزه میان پدر و مادر قبل از جدایی، سن کودکان در زمان طلاق، داشتن و نداشتن برادر و خواهر، وجود پدربزرگ و مادربزرگ و سایر خویشاوندان، روابط آنها با هر یک از والدین و اینکه اغلب تا چه حد پدر و مادر را می‌بینند. به گفته وی اغلب کودکان پس از جدایی والدین از اضطراب عاطفی رنج می‌برند، کودکانی در سنین قبل از مدرسه سردرگم و وحشت‌زده می‌شوند و خود را به خاطر جدایی والدین مقصر می‌دانند. اما کودکان بزرگتر بهتر می‌توانند انگیزه‌های والدین را برای طلاق درک کنند. اغلب آنها عمیقاً نگران اثرات طلاق بر آینده خود می‌باشند، از این‌رو احساس خشم شدیدی نشان می‌دهند. وی یادآور می‌شود که یافته‌های محققان نشان می‌دهد دو سوم کودکان پس از پایان یک دوره پنج ساله از طلاق تا حدودی از عهده زندگی خانوادگی و تعهداتشان در خارج از خانه به خوبی بر می‌آیند، اما یک سوم آنها به طور جدی از زندگیشان ناراضی، و دچار افسردگی و احساس تنهایی می‌شوند.<sup>۱</sup>

به باور جامعه‌شناسان فرزندان طلاق، قبل از جدایی والدین، معمولاً دوره‌ای از اضطراب، تنش و کشمکش را در خانواده تجربه می‌کنند و در دوره بعد از طلاق نیز به ویژه در صورت خردسالی به دلیل وابستگی شدید به اطرافیان و

---

۱. گیدنز، جامعه‌شناسی، ۲۳۱ - ۲۳۲.

نیازهای متعدد، بیش از والدین و سایر اعضا، از آسیب‌های محتمل تأثیر می‌پذیرند. تجربه ناخوشایند این دوره گاه بحرانهای زنجیره‌ای پرافت و خیزی را در مراحل متاخر زندگی آنها زمینه‌سازی می‌کند. عواملی همچون نحوه تعامل والدین در مرحله بعد از طلاق، میزان همکاری و مشارکت بستگان در ترمیم عوارض طلاق، میزان دسترسی به امکانات خدمات اجتماعی، سرعت یا تاخر ازدواج مجدد والدین، قبول یا عدم قبول بچه‌ها توسط ناپدري یا نامادري، در تعیین وضعیت آینده بچه‌ها و چگونگی کنار آمدن با مشکلات طلاق نقش تعیین کننده دارد.<sup>۱</sup> برخی کارشناسان بر آنند که فرزندان طلاق، استعداد بالایی برای بازتولید شرایط و وضعیت خانوادگی تجربه شده خود در دوران بزرگسالی را دارند و ممکن است همسر و فرزندان خویش را به برخی تلخ‌کامی‌ها که خود چشیده‌اند، سوق دهند.<sup>۲</sup>

---

۱. ر.ک: گیدنز، جامعه‌شناسی، ۲۳۱.

۲. ر.ک: ال سینگلر، آوا، به بچه‌ها چه بگوییم؟، ۱۴۳ - ۲۲۳؛ تایبر، بچه‌های طلاق، ۱۰۶ - ۱۰۸ و ۲۱۵ -

۲۱۶؛ گیدنز، آنتونی، تجدد و تشخیص، ۲۷ - ۳۲.

Mckenry Patrice C. & Sharon J.Price, FAMILIES And CHANGE, p233;  
Edwards,John N.& Demo ,David H.(Editors )MARRIAGE and FAMILY IN  
TRANSITION, p403 \_ 420; Winch,Robert F.The Modern Family, p608 \_  
612; Shepard,Jon. M.Sociology, New York and Boston, p308; Grusec,J.E. &  
Lytton, H; social Development: History,Theory and Research, 418 \_ 429.

### ج. پیامدهای طلاق برای جامعه

برخی از اندیشمندان طلاق را از غم‌انگیزترین پدیده‌های اجتماعی بر شمرده‌اند، که تعادل انسان‌ها را بر هم زده و آثار شومی در جامعه بر جای می‌گذارد. افزون بر آنکه منجر به کاهش انسجام و یکپارچگی اجتماعی شده و روابط اجتماعی را بیمار می‌کند.<sup>۱</sup>

شیوع طلاق برای جامعه پیامدهای متعددی دارد که برخی از آنها عبارتند از: متزلزل شدن ارکان یکی از اساسی‌ترین نهادهای اجتماعی و ناتوانی آن در ایفای نقش‌ها و وظایف محول و محروم شدن سایر بخش‌ها از کارکردهای آن؛ مخدوش شدن جنبه‌های ارزشی ازدواج به عنوان یکی از عمده‌ترین مراحل گذار و راه‌های مهم شکوفایی استعدادها و تکامل شخصیت، ایجاد زمینه برای بسط روابط غیر مجاز جنسی به عنوان جایگزین خانواده، مشکلات جمعیت‌شناختی واخلال در فرایند تولید نسل، رواج ازدواج‌های مجدد همراه با اقتضائات خاص آن، تشدید بی‌اعتمادی میان دو جنس، تضعیف پیوندهای اجتماعی ناشی از روابط سببی و احیاناً نسبی (در ازدواج‌های فامیلی)، مشکلات مالی و حقوقی ناشی از افزایش بی‌رویه مهریه به عنوان راهی برای تثبیت خانواده، بالارفتن محتمل میزان انحرافات اجتماعی از ناحیه آسیب‌دیدگان طلاق و به طور کلی، تحمیل هزینه‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، قضایی، اقتصادی بر جامعه.

---

۱. ساروخانی، طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، ۱۲۰.

راهکارهای اسلام برای کاهش این پیامدها: اسلام علاوه بر ابراز نفرت و کراهت از اصل وقوع طلاق<sup>۱</sup> و ارائه رهنمود جهت مهار یا به حداقل رساندن وقوع آن؛ تمهیدات ویژه‌ای را جهت کاهش عوارض آن تدارک دیده است. که التزام به رعایت این اصول توسط مسئولین می‌تواند بارهزینه‌های سنگین این سنخ اقدامات را تا حد زیاد تقلیل داده و تحمل‌پذیر سازد. برخی از این راهکارها عبارتند از: ترغیب زوجین به رعایت متقابل ارزش‌های اخلاقی و حسن معاشرت،<sup>۲</sup> برحذر داشتن زوجین از آزار، و اضرار به یکدیگر (که عمومیت آن قبل و بعد از طلاق را شامل می‌گردد)،<sup>۳</sup> توصیه طرفین طلاق به ازدواج مجدد ترغیب مردان به ازدواج با زنان مطلقه<sup>۴</sup> با هدف کاستن بار مشکلات مالی، عاطفی، جنسی آنها، تأمین نیاز فرزندان، ارتقای امنیت اجتماعی، اعطای هویت و مانند آن، توصیه خویشاوندان به کمک و مساعدت لازم به افراد آسیب‌دیده از طلاق، الزام مرد به تأمین نفقه زن در ایام عده که در مورد زن باردار تا پایان مدت حمل را در برمی‌گیرد،<sup>۵</sup> استحباب اعطای نوعی کمک مالی ویژه به زن تحت عنوان «متاع» یا «متعّه طلاق» متناسب با توان مالی شوهر. این هدیه بالقوه

---

۱. کلینی، الکافی، ۶ / ۵۴؛ فاضل هندی، کشف اللثام، ۸ / ۴۹؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۵ / ۲۲۶.

۲. طلاق، ۲؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۴ / ۱۱۹ - ۱۲۲؛ قانون مدنی، ماده ۱۱۰۳ - ۱۱۰۴.

۳. بقره، ۲۳۷؛ طلاق، ۶.

۴. حر عاملی، وسایل الشیعه، ۱۵ / ۳۲۱، ۳۲۴.

۵. شهید اول، ۱۸۲ - ۱۸۳؛ شهید ثانی، مسالک الافهام، ۸ / ۴۴۹.

می‌تواند بخشی از کدورت‌های ناشی از طلاق را التیام بخشد،<sup>۱</sup> الزام مرد به پرداخت کامل مهر در صورت برقراری رابطه زناشویی و نصف آن در صورت عدم انعقاد رابطه،<sup>۲</sup> معافیت اولیه زن مطلقه از مسئولیت پرورش و سرپرستی فرزندان و تأمین نیازهای مالی آنها، الزام قانونی پدر یا جد پدری (و احیاناً مادر) به تأمین نفقه فرزندان در شرایط عادی و بعد از طلاق،<sup>۳</sup> تأکید بر مشورت و اتخاذ تصمیم مشترک در خصوص وضعیت فرزندان با هدف یافتن بهترین گزینه ممکن،<sup>۴</sup> اعطای حق حضانت فرزند به مادر که در تأمین نیازهای عاطفی روانی فرزند نقش تعیین‌کننده‌ای دارد،<sup>۵</sup> الزام زوجین، اطرافیان و عموم مؤمنان به ایفای متعهدانه مسئولیت‌های اجتماعی در قبال یکدیگر، پاسخ‌دهی مناسب به انتظارات متقابل و مشارکت خیرخواهانه در حل یا کاهش مشکلات دیگران، الزام دولت اسلامی به تمهید شرایط و امکانات لازم جهت تأمین اقشار نیازمند و آسیب‌پذیر که بالطبع یکی از مصادیق آن قربانیان طلاق خواهند بود.

---

۱. بقره، ۲۳۶؛ طباطبائی، المیزان، ۲ / ۲۴۵؛ مکارم شیرازی، تفسیر، ۲ / ۱۹۹ - ۲۰۰؛ صالحی شامی، سبیل الاسلام، ۳ / ۱۵۳.

۲. طباطبائی، المیزان، ۲ / ۲۴۵؛ محقق حلی، شرائع الاسلام، ۲ / ۵۴۷ - ۵۴۸؛ شهید ثانی، الروضة البهیة، ۵ / ۳۴۷ - ۳۴۸.

۳. علامه حلی، ارشاد الاذهان، ۲ / ۳۷.

۴. طلاق، ۶؛ مکارم شیرازی، تفسیر، ۲۴ / ۲۴۷ - ۲۴۸؛ طباطبائی، المیزان، ۱۹ / ۳۱۷.

۵. محقق حلی، شرائع الاسلام، ۲ / ۵۶۷؛ علامه حلی، ارشاد الاذهان، ۲ / ۴۰.

تصویب و اجرای برخی قوانین می‌تواند در رفع مشکلات مالی زنان در این دوره مؤثر باشد. امکان اشتراط مبلغی ویژه در ضمن عقد بر ذمه شوهر که در صورت اقدام به طلاق ملزم به پرداخت آن خواهد بود، استحقاق دریافت اجرت‌المثل خدمات خانگی در طول دوران زناشویی (در صورتی که به قصد مجانی بودن آن کارها را انجام نداده باشد) و اشتراک زن در همه اموال خانوادگی اکتساب شده در دوره زندگی مشترک از آن جمله است. البته این سنخ تمهیدات نباید به گونه‌ای بسترسازی شود که خود به تشدید تمایل به طلاق منجر شود.

راه‌های کاهش آمار طلاق: بدون تردید مهار یا کاهش طلاق، به برنامه ریزیهای اساسی، سیاست‌گذاریهای همه جانبه و دقیق و اقدامات خرد و کلان در عرصه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی نیازمند است. اجرایی شدن این سیاست‌ها و تبدیل آنها به الگوها و رویه‌های معمول، تدریجاً می‌تواند کاهش قابل توجه طلاق و تحکیم بنیاد خانواده را تا حد امکان به دنبال داشته باشد. این توصیه‌ها عبارتند از:

۱. ایجاد تحولات ساختاری متناسب با هدف مورد نظر و اصلاح فرایندهای ذکر شده در بخش زمینه‌های طلاق برای مثال، تقویت جایگاه خانواده به عنوان یکی از نهادهای کانونی تأمین کننده نیازهای اساسی و دارای کارکردهای بعضاً جایگزین ناپذیر، تقویت فرهنگ خانواده‌گرایی و لوازم آن، اصلاح قوانین و

سنت‌های تضعیف‌کننده موقعیت خانواده، بستن مجاری غیرمجاز ارضای نیاز جنسی، بسترسازی جهت تسهیل ازدواج افراد واجد شرایط، بهره‌گیری از جدیدترین یافته‌های علمی در جهت هدایت افراد به گزینش همسر مناسب، اصلاح مکانیسم‌های همسریابی موجود و توصیه و ترغیب به الگوهای مطلوب، ترغیب به دخالت دادن والدین و اطرافیان در فرایند همسرگزینی با هدف بهره‌گیری از تجربیات آنها و ارتقای ضریب اطمینان به انتخاب برتر، اهمیت دادن به دوره نامزدی با هدف شناخت بیشتر از روحیات و انتظارات یکدیگر، ارائه خدمات مشاوره‌ای کارشناسانه در مراحل قبل و بعد از ازدواج و اعمال فنون مددکاری نوین و تکنیک‌های خانواده درمانی جهت اصلاح مشکلات خانواده‌های موجود، تقویت زمینه‌های وابستگی اعضای خانواده به یکدیگر (به ویژه با توجه به گستره ارتباطی زوجین با شبکه‌های مختلف برون‌خانگی و تأمین نیازهای روحی و عاطفی از این طریق و بالطبع کاهش وابستگی متقابل)، اتخاذ تدابیر لازم و همه‌جانبه با هدف مدیریت طلاق و کنترل آن، همچنین بازتعریف هویت جنسی و مرزهای جنسیتی، بازخوانی تفاوت‌ها و اشتراکات دو جنس، اصلاح نگرش‌ها، اصلاح نظام نقش‌ها و مسئولیت‌های محول و مورد انتظار، اصلاح الگوهای مشارکت اجتماعی و اقتصادی زنان، تقویت شان همسررداری و مادری از طریق اعطای امتیازات خاص و توجه دادن به نتایج آن

در کلیت نظام اجتماعی و مانند آن، بخشی دیگر از اقدامات ساختاری است که می‌تواند در جهت تقویت خانواده و کاهش آمار طلاق موثر واقع شود.<sup>۱</sup>

۲. اصلاح نظام آموزش و پرورش رسمی و غیررسمی و فرایند جامعه‌پذیری: تربیت افراد متناسب با آرمانها و ارزشهای پذیرفته شده، ضرورتها و اقتضانات نظام اجتماعی، وظایف و نقش‌های محول در عرصه‌های مختلف، انتقال فرهنگ دینی و تقویت بنیان‌های اعتقادی، ارتقای درجه التزام عملی به هنجارها و ارزشهای اجتماعی دین در حوزه رفتاری و تعاملات اجتماعی و درونی کردن ارزش‌های اخلاقی همچون مسئولیت‌پذیری، قانون‌گرایی، احترام متقابل، انتقادپذیری، مثبت‌نگری، خوش‌حلقی، دگرخواهی، قدرشناسی، خویش‌داری، شکیبایی، عذرخواهی و عذرپذیری، عفو و گذشت، رافت و مهربانی، تساهل و مدارا، حسن‌ظن، کنترل هیجانات، پذیرش شفاعت دیگران، احساس مسئولیت در قبال مشکلات دیگران و به‌طور کلی، احیا و رواج ارزش‌هایی که در سطوح مختلف نظام اجتماعی از جمله خانواده منشاء آثار و برکات زیاد خواهد بود و زمینه برخی کشمکش‌های سوق‌دهنده به طلاق را از میان خواهد برد.<sup>۲</sup>

---

۱.

۲.



۳. اقدامات لازم در جهت زدودن بی‌سوادی، بسط اطلاعات عمومی و ارتقای بینش و دانش اجتماعی توده‌ها، آماده‌سازی افراد برای ورود موفق به چرخه زندگی زناشویی و ایفای آگاهانه نقش‌های همسری، توجه دادن همگان به حقوق و وظایف متقابل به ویژه در نظام خانواده، آموزش مهارت‌های لازم زندگی همچون مهارت همزیستی مسالمت‌آمیز، برقراری ارتباطات کلامی، احساسی و رفتاری؛ رویارویی با مشکلات و موانع، رفع تنش‌ها و اختلافات، کاستن بار فشارها و تکانه‌های معمول زندگی، افزایش مقبولیت و اعتبار اجتماعی، کنترل هیجانات و احساسات و در حوزه روابط زناشویی فراگیری مهارت کامجویی و ارضای رضامندانه نیاز جنسی؛ توجه دادن زوجین به وظایف و مسئولیت ایشان در قبال فرزندان، برحذر داشتن اطرافیان از دخالت‌های بی‌مورد در امور خانواده‌ها و نتایج محتمل آن، آگاه ساختن زوجین از عواقب روانی، اجتماعی و اقتصادی طلاق برای طرفین، فرزندان آنها و جامعه کل، تشویق و ترغیب اطرافیان (معتمدان محل، بزرگان فامیل، روحانیون، والدین) به مشارکت متعهدانه در جهت حل مسالمت‌آمیز و کشمکش‌های خانوادگی و تا حد امکان انصراف زوجین از تصمیم به طلاق و متقابلاً استقبال زوجین از پیشنهادات ارائه شده، آگاه ساختن کودکان از مسأله طلاق و نحوه کنار آمدن با تبعات اجتناب‌ناپذیر آن، تمهید امکانات لازم برای کاستن بار مشکلات قربانیان طلاق به ویژه زنان

و فرزندانش، فرهنگ‌سازی در جهت ترغیب به ازدواج مجدد و زدودن برخی ذهنیت‌های بازدارنده.<sup>۱</sup>

۴. برنامه‌ریزی در جهت رفع بیکاری، اولویت دادن به استخدام مردان به عنوان نان آوران خانواده، افزایش میزان درآمد افراد متاهل متناسب با هزینه‌های معمول زندگی، اعطای کمک هزینه به افراد فاقد کار در دوره بیکاری، کنترل و کاهش تورم، تأمین مایحتاج عمومی همچون مسکن، مبارزه قاطع با مواد مخدر، حمایت از خانواده‌های معتادان محروم، ایجاد تعادل میان مسوولیت‌های ناشی از کار و مسوولیت‌های همسری (چه برای زن و چه مرد)، پاره وقت شدن اشتغالات زنان، برنامه‌ریزی جهت کاهش فشارهای روانی بر افراد، ایجاد زمینه برای ورزش همگانی و تقویت بهداشت جسمی و روحی و مانند آن از دیگر اقداماتی است که با واسطه می‌تواند در تثبیت خانواده و مهار طلاق نقش‌آفرینی کند.<sup>۲</sup> لازم به ذکر است که هر اقدامی از سوی دولتمردان با هدف حمایت از قربانیان طلاق و کاستن بار مشکلات آنها همچون تغییر قوانین، اصلاح مدیریت‌ها، ایجاد سیستم‌های تأمین اجتماعی، اعطای کمک‌های ویژه، بیمه طلاق، تسهیل اشتغال زنان مطلقه و مانند آن خود بالقوه می‌تواند چرخه طلاق و

---

.۱

.۲

تمایل به آن را تشدید و تقویت کند. بنابراین این گونه اقدامات نیازمند دقت و همه‌جانبه‌نگری است.

## منابع

- آبوت پاملا، كلر والاس، جامعه‌شناسی زنان، ترجمه: منیژه نجم عراقی، تهران، نشر نی، ۱۳۸۰.
- احمد طه، صابر، نظام الاسره فی اليهودیه و النصرانیه و الاسلام، قاهره، نهضه مصر للطباعه و النشر و التوزیع، الطبعة الثانية، ۲۰۰۳.
- اسپرنیک، جنیس آبراهامز، پیوند زخم خورده، ترجمه: مرجان فرجی، تهران، فردوس، ۱۳۸۰.
- ال سینگلر، آوا، به بچه‌ها چه بگوئیم، ترجمه: میترا کدخدایان، تهران، مروارید، ۱۳۸۲.
- امامی، سید حسن، حقوق مدنی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۴.
- اینگلهارت، رونالد، تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه: مریم وتر، تهران، کویر، چاپ دوم، ۱۳۸۲.
- باربارا وایت هر، طلاق زوال یک تمدن کوچک، ترجمه: شروین شمالی، مجله زنان، شماره ۲۱، آذر و دی ۱۳۷۳.
- بستان (نجفی)، حسین، اسلام و جامعه‌شناسی خانواده، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۳.
- پارسونز، تالکوت، «ساختار اجتماعی خانواده»، در کتاب: مبانی و رشد جامعه‌شناسی، جی ایچ. آبراهامز، ترجمه: حسن پویان، تهران، چاپخش، ۱۳۶۳.
- تافلر، الوین، موج سوم، ترجمه: شهیندخت خوارزمی، تهران، کارون، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.

- تایبر، بچه‌های طلاق، ترجمه: توراندخت تمدن، تهران، خاتون، ۱۳۷۲.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، کتابخانه گنج دانش، ج ۳، ۱۳۷۸.
- الحر العاملی، محمد بن الحسن، وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، لبنان، بیروت، داراحیاء التراث العربی، جلد ۱۴ و ۱۵، بی تا.
- درویش پور، مهرداد، بررسی مساله طلاق در خانواده‌های ایرانی مهاجر، ماهنامه نگاه نو، شماره ۲۲، مهر و آبان ۱۳۷۳.
- زنگنه، محمد و حبیب احمدی. بررسی جامعه‌شناختی عوامل موثر در خشونت شوهران بر ضد زنان در خانواده (مقاله) در کتاب: پرخاشگری و جنایت، انجمن جامعه‌شناسی ایران، نشر آگه، جلد سوم، ۱۳۸۱.
- ساروخانی، طلاق، پژوهشی در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۶.
- ستیر، ویرجینیا، آدم‌سازی در روان‌شناسی خانواده، ترجمه: بهروز بیرشک، تهران، رشد، ۱۳۷۰.
- سگالن، مارتین، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۰.
- صدیق اورعی، غلامرضا. تمکین بانو، ریاست شوهر، تهران، شورای فرهنگی - اجتماعی زنان، ۱۳۸۰.

صفایی، سید حسین و اسدالله امامی، حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران، جلد اول، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

طباطبایی (علامه)، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، لبنان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، الطبعة الثالثة، ۱۳۹۳ هـ.

طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرين، تحقیق: سیداحمد حسینی، مکتب نشر الثقافة الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۰۸ ق.

فرجاد، محمد حسین، آسیب‌شناسی اجتماعی، خانواده و طلاق، تهران، دریا، ۱۳۷۲.  
قنادان، منصور، ناهید مطیع و هدایت الله ستوده، جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی)، تهران، آوای نور، ۱۳۷۵

کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (بخش خانواده)، تهران، بهمن، ۱۳۷۱.

کارلسون، جان، لن اسپری و جودیت لوئیس، خانواده درمانی، ترجمه: دکتر شکوه نوایی نژاد، تهران، سازمان انجمن اولیاء و مربیان، ۱۳۷۸.

کاستلز، مانوئل، عصر اطلاعات، قدرت هویت، ترجمه: حسن چاووشیان، تهران، طرح نو، جلد ۲، ۱۳۸۰.

کلافی، یونس، ایرج هاشم زاده، بررسی برخی اختلالات روانی موثر بر طلاق، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۱۹، پاییز ۱۳۷۳.

کی نیا، مهدی، عوامل اجتماعی طلاق، قم، مطبوعات دینی، ۱۳۷۳.

گاردنر، ویلیام، جنگ علیه خانواده، ترجمه: معصومه محمدی، قم، دفتر مطالعات و

تحقیقات زنان، ۱۳۸۶.

گیدنز، آنتونی، *تجدد و تشخیص*، ترجمه: ناصر موقیان، تهران، نشرنی، ۱۳۷۸.

گیدنز، آنتونی، *جامعه‌شناسی*، ترجمه: منوچهر صبوری، تهران، نشرنی، چاپ پنجم، ۱۳۷۸.  
لیتل، دانیل، *تبیین در علوم اجتماعی*، ترجمه: عبدالکریم سروش، تهران، صراط، چاپ دوم،  
۱۳۸۱.

محقق داماد، سید مصطفی، *حقوق خانواده، نکاح و انحلال آن*، تهران، مرکز نشر علوم  
اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۹.

مرکز امور مشارکت زنان ریاست جمهوری، مدیریت آمار و برنامه ریزی، «*بررسی اجمالی  
زنان در آینه آمار ۱۳۷۶ - ۱۳۸۰*»، پاییز ۱۳۸۰.

مصاحب، غلامحسین، *دائرة المعارف*، تهران، شرکت سهامی کتابهای جیبی، ۱۳۵۶.  
مصاحبه با جمعی از کارشناسان، *نگاهی به آمار طلاق در ایران*، دو هفته نامه فرهنگ و  
پژوهش، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شماره ۱۶۹، آبان ۱۳۸۳.

مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، جلد ۱۹، تهران، صدرا، چاپ دوم، ۱۳۷۹.  
مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، چاپ چهل دوم،  
۱۳۸۱. (دوره ۲۷ جلدی)

ممتاز، فریده، *انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاهها*، تهران، شرکت سهامی انتشار،  
۱۳۸۱.

مور، استفن، *دیباچه‌ای بر جامعه‌شناسی*، ترجمه: مرتضی ثاقب فر، تهران، ققنوس، ۱۳۷۶.

- مهریور، حسین، *مباحثی از حقوق زن*، تهران، اطلاعات، ۱۳۷۹.
- النجفی، الشیخ محمد حسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، الطبعة السابعة، جلد ۳۲، بی تا.
- نصیری سوادکوهی، فتوت، *عسر و حرج زن برای طلاق*، ماهنامه دادگستر، شماره هفتم و هشتم، بهمن و اسفند ۱۳۸۱.
- نوری، یحیی، *حقوق زن در اسلام و جهان*، تهران، موسسه مطبوعاتی فراهانی، چاپ سوم، ۱۳۴۷.
- واحدی، قدرت الله، *مطالعه تطبیقی طلاق در سیستمهای حقوقی جهان*، تهران، آسیا، ۱۳۴۷.
- دانیو، آندره مورالی، *جامعه‌شناسی روابط جنسی*، ترجمه حسن پویان، تهران، توس، ۱۳۸۳.
- مساواتی، مجید، *آسیب‌شناسی اجتماعی ایران، جامعه‌شناسی انحرافات*، تبریز، انتشارات نوبل، ۱۳۷۴.

Allan, Graham & Crow, Graham: Families, Households and Society; British Sociological Association, 2001.

Dobash, Russell P. Abuser Programmes and Violence Against Women; from: FAMILY VIOLENCE And POLICE RESPONSE; Edited by Wilma Smeenk and Marijke Malsch; Ashgate Publishing Company, 2005.



Edwards, John N. & Demo, David H. (Editors) MARRIAGE and FAMILY IN TRANSITION, Allyn and Bacon, London, 1991.

Grusec, J.E. & Lytton, H; social Development: History, Theory and Research, NewYork: springer, 1988.

Kohen, Janet & RoslynI feldberg; Isolation and Invasion: The Conditions Of Marriage and Divorce; in The Family, peter J.Stein & Judith Richman & Natalie Hannon; London, 1977.

Mckenry Patrice C. & Sharon J.Price, FAMILIES And CHANGE, London, New Dehi; Sage Publications, 2005.

Shepard, Jon. M.Sociology, NewYork and Boston: Wadsworth, 1999.

Winch, Robert F.The Modern Family, NewYork: Holt, Rinehart and Winston, Inc. 1971.